



درباره ویرایشی جدید از شاهنامه فردوسی

به کوشش فریدون جنیدی

دکتر عزیزالله جوینی

اشاره

در شماره ۹ (پیاپی ۱۲۳، دی ۱۳۸۶) «کتابماه ادبیات» در بخش رویدادهای فرهنگی، خبری منتشر شده بود راجع به انتشار «ویرایشی جدید از شاهنامه فردوسی» توسط آقای فریدون جنیدی. در پی انتشار آن خبر، استاد محترم آقای دکتر عزیزالله جوینی یادداشتی درباره آن برای «کتابماه ادبیات» ارسال داشته‌اند که عیناً در پی می‌آید. «کتابماه ادبیات» آماده پذیرش نقدها و نظرهای صاحب‌نظران و پژوهشگران ارجمند درباره مطالب منتشر شده در مجله است.

سر دبیر محترم مجله کتابماه ادبیات:

به عرض می‌رساند که بنده مطلبی در آن مجله (ش ۹ سال اول دیماه ۱۳۸۶ پیاپی) خواندم که: ۱. در صفحه (۱۱۰) تحت عنوان «رویدادهای فرهنگی و ادبی» نوشته شده بود که «ویرایش جدیدی از شاهنامه فردوسی توسط جناب آقای فریدون جنیدی سامان یافته است. این ویرایش جدید که حاصل سال‌ها پژوهش وی در زمینه شاهنامه و فرهنگ ایران باستان است در ۷ مجلد و مقدمه‌ای ۵۰۰ صفحه‌ای تدوین شده است». پس از این، نوشته شده بود: «به گفته گردیزی در سال ۳۸۹ محمود به امیری خراسان رسید و در همان هنگام شاهنامه نزدیک به پایان بود؛ اما آنان (اطرافیان محمود) وانمود کردند که تشویق‌کننده فردوسی در سرودن ابیات شاهنامه محمود است از این رو، بخش‌هایی از شاهنامه را برگزیدند و در آن ستایش سلطان محمود را وارد کردند تا ۶۰ هزار بیت بشود و محمود می‌خواست ۶۰ هزار دینار به فردوسی بدهد» (با کمی تصرف). نخست در این باره باید بگویم که این سخن چندان اعتباری ندارد؛ زیرا نه در شاهنامه اشاره‌ای به آن شده و نه در یک کتاب معتبر تاریخی. از این روی استاد دکتر محمد امین ریاحی که از فردوسی‌شناسان برجسته ایران است در کتاب «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی»، صفحه (۸۵) گفته‌اند: «چون نام محمود بارها در شاهنامه آمده است خیال کرده‌اند که فردوسی به امر او نظم شاهنامه را آغاز کرده، و بعدها شاخ و برگ‌های دیگر به این افسانه افزوده شده است. اکنون دیگر به طور قطعی روشن شده که خود فردوسی به فکر نظم شاهنامه و جست‌وجوی منابع کار خود افتاده و مشوقش همشهریانش بودند از جمله دوستی مهربان و مهتری گردنفر از».



۲. باز نوشته شده بود: «برای آن که سخاوت نابوده محمود را نشان دهند، این افسانه را آراستند که شاهنامه ۶۰ هزار بیت بوده و محمود می‌خواست ۶۰ هزار دینار به فردوسی بدهد و برای رسیدن به چنین کاری ناچار بودند که افزون بر ستایش‌های محمود داستان‌ها را یکایک بشکافند و ابیات افزوده بدان وارد کنند. برخی جای‌های بیت افزوده درست رو در روی سخن فردوسی قرار می‌گیرد و این ناهماهنگی با بیت دوم شاهنامه آغاز می‌شود:

خداوند نام و خداوند جای

خداوند روزی ده رهنمای

و در بیت ششم می‌فرماید:

ز نام و نشان و گمان برتر است

نگارنده بر شده گوهر است

اگر دیده خردمندان باز باشد به آسانی می‌توانند دریابند که این دو اندیشه رو در روی یکدیگر است و اگر بیت اخیر سخن فردوسی بوده باشد بیت نخستین از آن فردوسی نیست. هنگامی که دستکاری بدین صورت از آغاز شاهنامه آغاز شود باید دید که در میان گفتارها چه اندازه ناراست و نادرست افزوده شده است» (پایان سخن). (ضمناً برای اطلاع می‌گویم که بیت اخیر، بیت چهارم است نه ششم).

در این مورد باید عرض کنم ما که چندان خردمان باز نیست به راحتی می‌فهمیم که این دو بیت با هم هیچ اختلافی ندارند؛ زیرا «نام» در اولی به معنی آوازه و شهرت است و «نام» در دومی به معنی اثر و نشان. که نام با نشان مترادف شده‌اند. در فرهنگ دهخدا در ذیل «نام» که به معنی نشان و اثر است این بیت عطار را ذکر کرده که نام و نشان با هم مترادفند، مانند:

بپزید و نشان و نام از او رفت

ندانم تا کجا شد در که پیوست

۳. باز نوشته شده که در این بیت فردوسی:

جهان و مکان و زمان آفرید

توانایی و ناتوان آفرید

از نظر دستور زبان روبه‌روی «توانایی» باید «ناتوانی» بیاید و در این بیت چنین نیست.

باید به عرض برسانم اگر کسی به زبان شاهنامه آشنا باشد می‌داند که در این کتاب گاهی صفت به جای اسم و زمانی اسم به جای صفت

رویدادهای فرهنگی و ادبی

به وزیر ادبیات... در این بخش از کتاب، رویدادهای فرهنگی و ادبی در طول سال گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. این بخش شامل گزارش‌هایی از نشست‌ها، کارگاه‌ها، و رویدادهای مهم در حوزه ادبیات است. همچنین به بررسی تحولات اخیر در عرصه نشر و آموزش ادبیات پرداخته شده است.

به کار می‌رود (البته

در نظم و نثر قرن چهارم و پنجم همواره چنین

است).

مثلاً در شعر رودکی:

دانش اندر دل چراغ روشن است

وز همه بد بر تن تو جوشن است

که «بد» به جای بدی است؛ یعنی «وز همه بدی». نیز در شاهنامه،

مسکو (ج ۳، ص ۳۹، ب ۵۶۳):

به جایی که زهر آگند روزگار

از نو نوش خیره مکن خواستار

تو با آفرینش بسنده نهی

مشو تیز گر پرورنده نهی

«پرورنده» به جای صفت مفعولی است؛ یعنی پرورش یافته.

«در داستان رستم و اسفندیار (ب ۳۷ - نبرد اندیشه‌ها) از قول

جاماسپ گوید: (ج ۳ ب ۱۶۰):

به جایی که پنهان بود ز آفتاب

بدان جایگه ساخت آرام و خواب

آرام؛ آرامگاه، جای آسایش، نیز این بیت، نسخه فلورانس (ج ۴ ب

۱۷۸۲ - سیاوش):

چو بینیش چربی فراوان بگویی

به چشم بزرگی نگه کن بدویی

چربی: بچربی، باملایمت. در پایان باید بیفزاییم که این استاد محترم

نمی‌دانم با بقیه ابیات فردوسی چه معامله‌ای کرده‌اند؟ والسلام.